

پیدایش نظمیه در ایران

منبع: سایت دوران - مجله الکترونیکی تاریخ معاصر ایران - شماره 1، فروردین 1385

پیش از تشکیل نظمیه یا شهربانی به سبک نوین و اروپایی در روزگار ناصرالدین شاه قاجار در سال 1257 ش، نظم و امنیت شهرها به عهده داروغه بود که زیر نظر اداره‌ای به نام «دیوان بیگی» (اداره حکومتی یا فرمانداری) که در رأس آن بیگلر بیگی (فرماندار حاکم) قرار داشت انجام وظیفه می‌کرد و وا حدهایی که در اختیار داروغه بود، محتسب، شحنه، گزمه، شبگیر، نامیده می‌شدند.¹

در آن هنگام نظم و امنیت شهرها در شب دارای قوانین ویژه‌ای بود که شاید امروزه برای بسیاری این پرسش پیش آید که مگر حکومت نظامی برقرار بوده، که اینگونه قوانین اجرا می‌شده است. «حدود چهار ساعت از شب گذشته روی پشت بام داروغه خانه طبل خبردار می‌زدند و سپس شیپور می‌نواختند، با این اخطارها دیگر کسی اجازه نداشت از خانه بیرون رود مگر اینکه از داروغه‌خانه اجازه داشته و اسم شب را بداند، اگر در عبور بی‌موقع، عابر اسم شب را درست می‌گفت، عبور می‌کرد، در غیر این صورت او را به داروغه‌خانه جلب می‌کردند و پس از شناسایی چنانکه شخص مهمی بود با اخذ انعام، او را به منزل و مقصدش می‌رساندند، برای هرشب نام یکی از شهرها تعیین می‌شد و مراتب به شبگردان ابلاغ می‌گردید.²

معمولاً به سران حکومت و وابستگان آنها و افراد با نفوذ اسم شب داده می‌شد البته در موارد بسیار هم به افراد پولدار به طور پنهانی فروخته می‌شد، کسی که اسم شب را تعیین می‌کرد «امیر شب» خوانده می‌شد که به مرور به «میر شب» متداول گردید. «میر شب» یکی از پیشه‌های مهم و پول ساز آن روزگار بود و به قول معروف سرفلکی داشته است. «چنین مقامی از شان و احترام ویژه‌ای برخوردار بود و چنانکه از عنوان آن پیداست میر شب حاکم شبانه شهر بود»³ آنچه از خواندن نوشته‌های گوناگون گذشتگان درباره‌ی اداره‌های حفظ نظم و امنیت جامعه مانند «دیوان بیگی» و «داروغه‌خانه» و کارکرد مأموران آنها مانند «محتسب»، «عسس»، «شبگرد»، «گزمه» حاصل می‌گردد این است که در بیشتر موارد آنها به جای اجرای قوانین و کوشش برای ایجاد امنیت و آسایش و آرامش برای همگان، خود محل امنیت و آسایش و آرامش جامعه بوده‌اند. «داروغه‌ها افرادی بی‌رحم و سنگدل و شقاوت پیشه بودند.»⁴ چارلز جیمز ویلس در کتاب خود «تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار» در باره رفتار ستمگرانه داروغه‌ها با گناهکاران و یا به ظاهر گناهکاران چنین نوشته است: «داروغه هر شهر و یا رئیس پلیس آنجا به احکام بسیار سخت حکم می‌کند و خود آنها بسیار سخت دل و قسی‌القلب هستند، مقصود بخت را چوب می‌زنند و غذا نمی‌دهند و هر گاه مقصر ایشان صاحب ثروت باشد تا مادامی که وی پول خرج می‌کند، با او مانند مهمان رفتار می‌نمایند و همین که پول او تمام شد آن وقت با او همان طور رفتار می‌کند که با مقصر رفتار می‌کنند، در ایران به مقصر بسیار بد می‌گذرد و در اول کار هر چه پول و یا لباس داشته باشد باید تسلیم داروغه نماید و پس از آن هم پاهایش مغلول (غل و زنجیر شده) و گردنش را زنجیر کرده و در محبس بسیار تنگی که شبیه مسکن جانوران است در نزد محبوسین، محبوس می‌گردد، داروغه اگر اطمینان کامل و صحیح داشته باشد که هنوز مقصر را از مال و منال رمقی باقی است، آن وقت به مقصر یادآور می‌شود که اگر می‌خواهی که از قید و زنجیر مستخلص گردی، آنچه که داری بیاور و با هم نصف کنیم، چنانچه مقصر به خواست داروغه گردن نهد، فی‌الغور او را به حاکم شهر تسلیم می‌دارد و معلوم است که حاکم شهر مقصر مزبور را یا مورد شکنجه و تنبیه و یا محبوس می‌دارد، خلاصه داروغه شهر به قدری بی‌مروت که حتی از عارض (شاکبی) هم رشوه مأخوذ می‌دارد.»

ناصرالدین شاه قاجار در سفرهایی که به اروپا کرد تصمیم گرفت در ایران دست به اصلاحاتی بزند از جمله این موارد اندک، تأسیس نظمیه یا همان شهربانی به سبک اروپایی بود. ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به اروپا و مشاهده قوای پلیس و نظم و انضباطی که در شهرهای اروپا برقرار کرده بود تصمیم گرفت در ایران نیز چنین تشکیلاتی را به وجود آورد.⁵

از این رو از دولت اتریش برای بنیان نهادن اداره پلیس تهران، به شکل نوین و اروپایی درخواست کمک کرد. «در پی این درخواست دولت اتریش هم پس از مدتی مطالعه یک نجیب‌زاده ایتالیایی را که در امور پلیس دارای اطلاعاتی بود، به ناصرالدین شاه معرفی نمود «کنت آنتوان دمونت فورت» پس از ورود به تهران به بررسی وضع شهر پرداخت و ضمن گزارشی به ناصرالدین شاه اعلام کرد که با چهارصد پلیس پیاده و شصت پلیس سوار می‌تواند امنیت شهر تهران را به نحو رضایت بخشی تأمین نماید. شاه با درخواست وی موافقت کرد...»⁶

امین‌الدوله در خاطرات سیاسی خود می‌نویسد: «ناصرالدین شاه پس از ورود کنت و همراهان نظامی‌اش به تهران، توسط امین‌الملک در مجلس شورای کبری [مجلس وزراء] تعیین محل مرسومات اتریشی‌ها و قزاق و اداره پلیس را از خرج‌های غیر لازم خواست. مستوفی‌الممالک و سپهسالار، از دوایر کشوری و لشکری، ... فقرا تی را استخراج و بودجه و مبالغی برای مخارج آن در نظر گرفتند.» کنت نخست دو دستیار و یک مترجم برای خود برگزید.

به قول اعتمادالسلطنه «بر حسب اراده همایونی اداره پلیس به جهت امنیت شهر توسط «نواب اشرف والا امیرکبیر نایب‌السلطنه ادام الله اقباله العالی» به ریاست «کنت دومونت فورت» در دارالخلافه برقرار گردید.⁷ پس از تدارک مقدمات کار روز 16 ذی‌قعدة 1295 ق، نخستین تابلو نظمیه تهران نصب گردید. در تابلو، عبارت «اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه» نقش شده بود. ناصرالدین شاه در روز افتتاح اداره پلیس دارالخلافه شرکت نمود و گشایش اداره پلیس و احتسابیه» رسمیت یافت و از همان روز مردم با واژه پلیس آشنا شدند و دیری نپائید که کنت به لقب «نظم‌الممالک» ملقب و به منصب امیرتومانی (سرلشکری) مفتخر و به اخذ نشان و حمایل آن، ممتاز گردید. از نوشته تابلو چنین بر می‌آید که تکالیف شهربانی و شهرداری در یک واحد تمرکز داشته و کنت در

بدایت کار هم رئیس پلیس یعنی شهربانی و هم رئیس احتسابیه یعنی شهردار تهران بوده است. در سال 1296 ق کنت نظامنامه‌ای را که به کتابچه «قانون کنت» معروف شد، به شاه ارائه کرد. با تصویب این نظامنامه، دیری نگذشت که اداره جلیله پلیس داراخلاقه و احتسابیه به «وزارت نظمیه» تبدیل گردید و صورت و قیافه تازه‌تری به خود گرفت و دارای دواپر و تشکیلات ثابتی گردید. 8

در آن زمان حقوق و مزایای نیروهای شهربانی که گاه پرداخت آن ماهها به تعویق می‌افتاد - برای افسران جزء از ماهانه پنج تومان تجاوز نمی‌کرد و به افراد پلیس هم مقرری ماهیانه خیلی ناچیزی (پنج تا بیست قران) داده می‌شد.

خیلی وقت‌ها، پاسبان‌ها و مأمورین رسمی انتظامی به جای انجام وظایف پلیسی، در دکان‌های قصابی و عطاری خود مشغول کار بودند و بازتاب این موضوع در دوبیت شعر که زبانزد افراد پلیس شده بود، بهترین معرف وضعیت و زبان حال پاسبان‌های آن زمان است:

«ما پلیسان حضرت شاهیم

از خیالات مرنازد 9 آگاهیم

نه مواجب نه حیره نه علیق 10

نوکر قریة‌الی اللہیم» 11

با تمام کارشکنی‌هایی که کامران میرزا پسر شاه و حاکم تهران می‌نمود تا «کنت» در کارش شکست بخورد تا او همانند گذشته بتواند اخاذی کند، این اتریشی ایتالیایی تبار توانست سر و سامانی به وضع آشفته تهران بدهد. ناصرالدین شاه که از اقدامات کنت راضی بود برای اینکه دهن پاره‌گویان و از جمله کامران میرزا را که در موارد متعدد کوشش می‌نمود اقدامات کنت را بی‌ارزش جلوه دهد، ببندد، در شعری که سرود به ستایش از کنت و کارها پیش برداخت:

زنهار حذر کنید زندان ز پلیس

بک جونرود به خرج ایشان تدلیس

در کنده «کنت دومونت فرت» خواهد مُرد

در چرخ اگر کند خطایی برجیس

برخی از افراد نیز که احتمالاً از عوامل کامران میرزا بودند و اقدامات کنت به منافع نامشروعشان لطماتی وارد آورده بود، با چراغ سبز بعضی از مقامات، تصمیم گرفتند، ضرب شستی به «کنت» نشان دهند، به همین جهت آنان دختر جوان کنت را که لیلی نام داشت ربودند و به محله «چاله سیلابی» که گویا محله خوشنامی نبوده است، می‌برند و به همین جهت در همان هنگام این ترانه عامیانه از سوی مخالفان کنت ساخته شد و در کوی و برزن خوانده می‌شد:

لیلی را بردند چاله سیلابی، لیلی

براش آوردند سیب و گلابی، لیلی

لیلی گل است، لیلی

خیلی خوشگل است، لیلی

«کنت آنتوان دومونت فرت» پس از چهارده سال خدمت در ایران بر اثر دسیسه و تحریک عده‌ای از درباریان که در رأس آنها کامران میرزا فرزند شاه و حاکم تهران قرار داشت از سمت خود معزول گردید. 12 و از آن هنگام تا ورود افسران سوئدی نظمیه در زمان احمد شاه قاجار و تشکیل دوباره این اداره به سبک اروپایی، ریاست نظمیه با نظامیان ایرانی بود و در این مدت اقدامات چشمگیری از سوی آنها دیده نشد.

پس از پایان کار کنت، ریاست این اداره به عهده «میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله» که مترجم مخصوص و معاون کنت بود، محول شد و از آن پس کسان ذیل ریاست آن را به عهده گرفتند:

میرزا عیسی وزیر مختار السلطنه، رضا بالا (آقا بالاخان سردار، حاج سعیدالسلطنه و اعظم‌السلطنه. در آغاز مشروطیت، ریاست این اداره را «مسیو پیرم» یکی از سران ارامنه عهده‌دار شد و او با قدرت به استقرار نظم توفیق یافت. پس از کشته شدن وی در جنگ همدان یکی از معاونان ارمنی او به نام سهراب خان و سپس مظفرآلم (سردار انتصار) ریاست نظمیه را به عهده گرفتند. در دوران ریاست نظمیه یکی از رجال نظامی به نام «صولت نظام» که بعداً ملقب به سردار شوکت شد، مدرسه‌ای برای تربیت افسران نظمیه به ریاست و استادی سیف‌الدین به من تشکیل شد و در اواخر ریاست او بود که مستشاران سوئدی به تهران وارد شدند.

دولت ایران جهت سر و سامان دادن به وضع نظمیه در زمستان 1291 تصمیم گرفت چند افسر سوئدی را هم به استخدام این اداره درآورد و به همین جهت نخست گفتگوهای اولیه با ژنرال پالمارسن فرمانده سوئدی ژاندارمری ایران انجام گرفت و با کمک و راهنمایی وی در نوبت اول و در سال 1292 سه کارشناس نیروی انتظامی سوئدی که عبارت بودند از: 1. وستداهل 2. برگدال 3. ارفاس به ایران وارد شدند. اولی به عنوان رئیس تشکیلات، دومی به عنوان رئیس پلیس تأمینات و برگدال به عنوان رئیس پلیس اونیفرم یعنی سرکلانتر مشغول خدمت شدند. 13 در این هنگام قاسم خان والی (سردار همایون) رئیس کل نظمیه بود. آن گروه از کارکنان شهربانی که نمی‌خواستند به اصطلاح فرمانبردار مستشاران سوئدی باشند و طبعاً میل داشتند اداره امور نظمیه با خود آنان باشد، شهربانی را ترک کردند و سردار همایون نیز از سمت خویش استعفا کرد. وستداهل و همکاران سوئدی‌اش «برگدال» و «ارفاس» سه ماه در تهران سرگرم مطالعه بودند و پس از سه ماه در نظمیه حضور یافتند و آن را از سردار همایون تحویل گرفتند. وستداهل دو نفر مترجم به نام رادسر 14 و مدیرالملک 15 برگزید. 16

افسران سوئدی پس از تحویل گرفتن نظمیه دست به اقدامات گسترده‌ای در این اداره زدند که در اینجا به طور کوتاه به مواردی از آنها اشاره می‌گردد:

- پاکسازی شهربانی از افراد مخالف

پس از آغاز به کار افسران سوئدی در شهربانی، گروهی که مخالف حضور آنان بودند، استعفا دادند و گروهی هم که شهادت استعفا دادن نداشتند، به صورت پنهانی به مخالفت می‌پرداختند و به اشکال گوناگون کارشکنی می‌کردند. کارشکنی علیه افسران سوئدی به وسیله کارمندان قدیم شروع شده و از خارج نیز تقویت می‌گردیدند، تشکیل نظمی مرتب، همیشه مخالف منافع عده زیادی بود که از این مهم سوءاستفاده‌های سرشاری حاصل می‌نمودند. این قبیل اشخاص ترقی یک چنین اداره‌ای را نمی‌توانستند با سکوت تحمل کنند و ادامه همکاری افسران سوئدی با این افراد ناممکن بود به همین جهت مستشاران سوئدی پس از مطالعه و بررسی پرونده استخدامی افسران شاغل در شهربانی حدود 60 تن از آنان را اخراج کردند. «17 پس از این پاکسازی بود که وستداهل و دیگر همکارانش توانستند دست به اقدامات اصلاحی و بنیادی دیگری در شهربانی بزنند.

- ایجاد آموزشگاه پلیس

دومین اقدام وستداهل به عنوان رئیس نظمی و همکارانش پس از پاکسازی، تأسیس دو آموزشگاه برای تربیت و آموزش افراد این ارگان بود افزون بر نیروهای تازه استخدام شده که می‌بایست دوره آموزشی را بگذرانند، نیروهای قدیمی نیز موظف به دیدن دوره‌هایی در این آموزشگاهها شدند. در این آموزشگاهها که به «مدرسه اسپیرانی» موسوم بود افراد پلیس را در رشته‌های آگاهی و کشف جرایم و کارآگاهی، تعقیب مجرمین سیاسی تعلیم می‌دادند. «18

- تقسیم تهران به ده منطقه و ایجاد کلانتری در هر منطقه

وستداهل و همکارانش پس از اقدامات گفته شده تهران را به ده منطقه تقسیم نمودند و در هر منطقه یک کلانتری تأسیس کردند، کلانتری و یا به قول سوئدیها «کمیساری‌های» دهگانه در این مناطق عبارت بودند از: 1- ارگ 2- دولت 3- حسن‌آباد 4- سنگلج 5- قنات‌آباد 6- مهدیه 6- قاجاریه 8- بازار 9- عودلاجان 10- شهر نو

- ایجاد اداره آگاهی (تامینات) به شکل نوین

یکی از اقدامات افسران سوئدی تأسیس اداره آگاهی یا به قول آن زمان تأمینات به سبک نوین و آشنایی پرسنل این اداره با آخرین روش‌های کشف جرایم بود. «پلیس تأمینات برای نخستین بار در زمان سوئدی‌ها با طبقه بندی جرایم آشنا شد و هر شعبه‌ای در تحقیق یک یا دو نفر از جرایم، کارشناسی پیدا کردند. برای بار اول از روش انگشتنگاری و آنترپومتری (تن پیمایی) در تحقیقات جرایم استفاده شد.» اداره آگاهی (تامینات) در روزگار سوئدی‌ها دارای هفت شعبه بود که «به جرایم قتل و جرح، سرقت و جیب‌بری، حمل اسلحه، تقلب، هتک ناموس و منافیات عفت و فریب اطفال و همچنین امور مهمانخانه‌ها و کاروانسراها رسیدگی می‌کرد و افزون بر این عملیات مربوط به تشخیص هویت مجرمین را نیز بر عهده داشت.» 19

مستشاران سوئدی در طول فعالیت خود در ایران انتظام و انضباطی در تشکیلات پلیس به وجود آوردند و عنوان رسمی آن را نظمیه قرار دادند و افراد پلیس را «آزان» نامیدند و در تهران و شهرهای بزرگ، این سازمان را مستقر و عده‌ای افسر ایرانی برای خدمت در آن مأمور گردانیدند. 20

پس از کودتای 1299 ش، که در تهران حکومت نظامی اعلان شد به کلیه ایالات و ولایات نیز دستور داده شد مقررات حکومت نظامی را در قلمرو خود به موقع اجرا بگذارند. مازور (سرگرد) محمد درگاهی، رئیس ژاندارمری قم، با حفظ سمت فرماندار نظامی قم شد. هنگامی که رضاخان وزیر جنگ شد و ژاندارمری از وزارت داخله منتزعه و در وزارت جنگ ادغام گردید، درگاهی به سمت «قلعه بیگی» مرکز یعنی فرماندهی دژبان تهران برگزیده شد و این علت است که وی را «کلنل قلعه بیگی» گفته‌اند. وی در دوره سردار سپه که وزیر جنگ بود، در رأس یک کمیسیون مأمور رسیدگی به محاسبات نظمیه تهران شد و بر اثر گزارش او مستشاران سوئدی نظمیه از خدمت منصرف گردیدند. 21 «نظامنامه کل تشکیلات نظمیه مملکتی» در دوره درگاهی به تصویب رسید و شهربانی کل مقارن با اجرا شدن قانون استخدام، شروع به تأسیس سازمان شهربانی، شهرها نمود.

برابر ماده اول آیین نامه مورد اشاره رئیس شهربانی تهران رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی هم بود و به موجب پیشنهاد وزارت داخله و فرمان شاه به این سمت گمارده می‌شد، شهربانی کل کشور در روزگار درگاهی، گذشته از دوایر شهربانی تهران در ایالات و ولایات نیز دارای 66 اداره نظمیه بود. 22

درگاهی به عنوان نخستین رئیس کل شهربانی از سال 1302 تا 1308 ش، برمسند قدرت بود و پس از وی به ترتیب: سرتیب محمدصادق کوپال ملقب به کلنل سالار نظام (1308-1310 ش) سرتیب فضل‌الله زاهدی ملقب به بصیر دیوان (آذر 1309- اردیبهشت 1310 ش) و سرلشکر محمد حسین آیرم چند سال ریاست کل را به عهده داشتند. نام آیرم همیشه با خطاب حضرت اجل توأم بود. در تمام مدت ریاست شهربانی کل، سرهنگ رکن‌الدین مختار سمت معاون وی و سرگرد محمد جعفر آصف وزیر، آجودان کل شهربانی بودند. آیرم اضافه بر ریاست دوایر شهربانی مرکز، رئیس اداره تفتیش کل نیز بود. اما امور آن اداره را سرهنگ پاشا مبشر معروف به پاشاخان انجام می‌داد. 23

آخرین رئیس شهربانی در دوران سلطنت رضاشاه، پاسیار مختار بود که ضمن انجام وظیفه در شهربانی به درجه سرتیپی (سریاسی) نیز ترفیع یافت و با وقوع حوادث شهریور 1320 ش، تهران را ترک کرد و سرهنگ اعتماد مقدم شهربانی را در غیاب او اداره کرد. سریاس مختار، پس از مراجعت از خارج ریاست شهربانی را به عهده گرفت و در 25 شهریور 1320 به کلی از کار برکنار شد. 24

پانوشته‌ها:

1. تهران درگذرگاه تاریخ، ص 157.

2. نظم و نظمیه در دوره قاجاریه، ص 37.

3. تهران درگذرگاه تاریخ، ص 258.

4. همان.
 5. گنجینه اسناد، دفتر دوم، زمستان 68، ص 2.
 6. تهران در گذرگاه تاریخ، ص 269.
 7. تاریخ منتظم ناصری، ج 3، ص 2022.
 8. نظم و نظمیۀ در دوره قاجار، ص 56.
 9. مرنارد. مستشار بلژیکی بود که با توافق دو جانبه دولت روس و انگلیس در 11 ژوئن 1912- 1916 م / 1331- 1335 ق، از سوی نایب السلطنه، خزانه‌دار کل ایران شد (مستخدّمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، ص 219)
 10. علیق به معنی خوراک ستور، آنچه که چهارپایان بخورند (فرهنگ عمید، ص 873)
 11. تاریخ دو هزار و پانصد ساله پلیس ایران، ص 28.
 12. پلیس خفیۀ ایران، ص 274.
 13. لغت‌نامه دهخدا، ج 25، ص 106.
 14. رادسر پیش از ورود سوئدی‌ها به تهران، وارد خدمت پلیس شده بود (نظم و نظمیۀ در دوره قاجاریه، ص 186)
 15. مدیرالملک لقب محمود جم است وّی در سالهای بعد به مقام وزارت امور خارجه و ... رسید
 16. نظم و نظمیۀ در دوره قاجار، ص 186.
 17. تهران در گذرگاه تاریخ ایران، ص 296.
 18. همان.
 19. نظم و نظمیۀ در دوره قاجاریه، ص 196- 197.
 20. نشر شماره 22 یونسکو در ایران در ایرانشهر، ج 21، ص 1070.
 21. پلیس خفیۀ ایران، ص 69.
 22. همان، ص 110.
 23. همان، ص 140.
- تاریخ دو هزار و پانصد ساله پلیس ایران، ص 28

<http://www.dowran.ir/show.php?id=37084080>

History Site of Mirhadi hoseini